



به هیچ‌کس به سزای بدی، بدی نکنید. دقت کنید که آنچه را در نظر همگان پسندیده است، به جای آورید **18**. اگر امکان دارد، تا آنجا که به شما مربوط می‌شود، با همه در صلح و صفا زندگی کنید **19**. ای عزیزان، انتقام مگیرید، بلکه آن را به غضب خدا واگذارید. زیرا نوشته شده که «خداوند می‌گوید: "انتقام از آن من است؛ من هستم که سزا خواهم داد. **20** برعکس، «اگر دشمنت گرسنه است، به او خوراک بده! و اگر تشنه است، به او آب بنوشان! اگر چنین کنی، اخگرهای سوزان بر سرش خواهی انباشت **21**». مغلوب بدی مشو، بلکه بدی را با نیکویی مغلوب ساز.

انتقام شیرین یا تلخ است؟ در زمانی که حواس جمعی پدر و مادر دو برادر در خانه در جایی دیگر بود. یکی شروع به لگد زدن برادر خود می‌کند و انتقام شیرینی از او می‌گیرد و بعد از چند لحظه برادر او شروع به تلافی نموده و سر و صدای زیادی به پا می‌کند و درگیری در آنها بالا می‌گیرد و همدیگر را مُتَهَم می‌کنند... و پدر آنها متوجه دعوی آنها دست هر یکی از آنها را گرفته و به گوشه‌ای پرت می‌کند. این انتقام‌گیری‌ها فقط در خانواده‌ها نمی‌باشد هر چند در دنیای ما زیاد اتفاق می‌افتد. در روزنامه‌ها ما هر روز از دعوا و جنگ می‌دوئیم. با یک کلمه جنگ شروع می‌شود... و اگر کلمات تمام شود و بی‌فایده شده باشد... بمب‌ها سقوط می‌کنند. و همه اینها بدتر و بدتر می‌شود. رنج‌های بی‌شماری است و هیچ راه حلی برای پایان دادن به اختلاف وجود ندارد. در سیاست اینگونه است. شرّ دارای خاصیتی است که مانند ویروس تکثیر می‌شود و به بدی بیشتر و بدتر می‌انجامد. ما می‌توانیم چنین چیزی را دوباره و دوباره در زندگی خود تجربه کنیم. یک مثال بزنم: در حالی که شما اینجا در آلمان هستید، پدرتان می‌میرد. برادران شما در خانه، دیگر انتظار نداشتند که شما برگردید و کل میراث را بین خودشان توزیع می‌کردند. چیزی برای شما باقی نمانده است. آنها حتی یک سوغات کوچک را پشت سر نگذاشتند... و اکنون این بی‌عدالتی عمیقاً در افکار شما جای گرفته است. شما تمام روز به این بی‌عدالتی فکر می‌کنید. و شب چنان عصبانی هستید که نمی‌توانید بخوابید. در بعضی مواقع آنقدر عصبانی هستید که دیگر نمی‌توانید بخندید. شما همچنین از افرادی که هیچ ارتباطی با این کار شیرین ندارند، عصبانی هستید. شری که در دوردست اتفاق افتاده بود در زندگی و قلب شما گسترده شده است که دیگر نمی‌توانید از آن خلاص شوید. سخنان پولس امروز به ما می‌گوید: "شر را با شر بازپرداخت نکن" به نظر می‌رسد که این کار خیلی خوب و درست می‌باشد. ما فقط باید چرخه شریر را بشکنیم! شری که در جهان وجود دارد، هرگز نباید در قلب و زندگی ما زمین پیدا کند. ما باید به جای شر عمل خوب را انجام دهیم. آیا این آسان است؟ آیا می‌توانیم خود را از جهان خارج جدا کنیم و وانمود کنیم که اتفاقات بد هرگز اتفاق نیفتاده است؟ نه ممکن نیست... ما نمی‌توانیم این کار را خوب انجام دهیم زیرا همه ما مانند آدم و حوا از درخت دانش خورده ایم. چه به خدا ایمان داشته باشیم یا نه، ما انسانها متفاوت بین عادلانه و شریر آشنا شده‌ایم و هنگامی که بی‌عدالتی برای ما اتفاق می‌افتد، به ما ضربه می‌زند. ما نمی‌توانیم از آن فاصله بگیریم. در این شرایط صد بار می‌توانیم بگوییم: "کارهای خوب را انجام دهیم!" ما این کار را نمی‌توانیم انجام دهیم زیرا خدا در زندگی ما نیست. و این واقعاً سؤال اساسی است: آیا ما، مانند کودکان، به قدرت بالاتری که مداخله کند نیاز داریم؟ قدرت بالا است که چرخه‌ی خشونت را خاتمه می‌دهد. خیلی از قوم‌ها و یا آدیان به این باورند که خدا در یک روز، داوری عادلانه‌ای انجام می‌دهد. هم چنین پولس به ما در خطبه می‌گوید که شما نباید انتقام بگیرید بلکه اجازه دهید خدا خشم خود را اجرا کند. و از عهد عتیق نقل شده است که خدا می‌گوید انتقام مال من است و من می

خواهم انتقام گیری کنم. مجازات به ناعدالتی ها یکی از کارهای مهم خداست. و او یکی از مشکلات ما را حل می نماید. اگر خدا بخواهد در روی زمین به صورت قاطعانه دآوری نماید هیچ کس سر بلند بیرون نمی آید و در این صورت ما همه بایستی زیر خشم خدا گناه کنیم تا مُتَحَمَل جدا باشیم. در این حالت از بین رفتن آفریده های خدا ما اول پیدایش فصل ۶ تا ۹ را درباره سیل نوح می خوانیم. در آن زمان مردم آنقدر بدکار بودند که خدا تصمیم گرفت همه را بجز نوح و خاندانش را نابود کند. و برای زنده نگه داشتن حیوانات نوح یک کشتی ساخت. بعد ها خدا بایستی سرنوشت همه انسان ها را با یک شخصیتی به زندگی جاویدان تغییر دهد. و آن عیسی است که همه خشم خدا را در او متحمل می شود. خدا به او یک جام تلخ رنج و عذاب برای نوشیدن می دهد. خدا او را تا صلیب هدایت می کند. زندگی عیسی بر روی زمین داستان رنج کشیدن و تحمل همه انتقام ها است. عیسی فقط یک انسان نبوده بلکه پسر خدا و خود خدا بود. در عیسی نقشه یک انسانی که برای گناهان ما توبه می کند اتفاق می افتد که ما هیچ زمان آن را نمی توانیم انجام دهیم. او یک روش عدالت را برای همه بوجود می آورد و او همه آنها را به عهده می گیرد. بدین ترتیب او دست شیطان را می بندد و انتقام حسادت و همه چیزهای بد را از بین می برد. حتی او از کسانی که به او آزار رساندن گذشت. این انتقامجویی و از خودگذشتن و این عدالت فقط کار خداست. در او محبت خدا برای تو و تمامی انسان ها می آید. هر چند کمی متضاد به نظر می آید که رنج خدا در عیسی یک انتقام خیلی شیرین است ولی او در نهایت این رنجهای محبت خود را به ما نشان داد و شیرینی آن برای ما باقی ماند. و چیزی را که ما در انجیل می خوانیم حکایت چیزهای خوب است و تمام تلخی ها را عیسی متحمل گردید. تا ما آزادی و شادی داشته باشیم. نیکی و عدالت، آزادی و محبت را عیسی در صلیب برای ما آماده کرده است و برای مسیحی ها که برای آن زنده اند و برای کلیسا، تا آنها را سرپا نگه داریم. خدا قلب سنگ ما را نرم کرد تا او را از جان و دل و با تمام اشتیاق دوست داشته باشیم و دیگران را مثل من دوست بدار. به این تربیب ما می توانیم اعمال بد دیگران را ببخشیم همانطور که خدا ما را بخشیده است. خدا تو را با عدالت تازه خود تغییر می دهد و اجازه نمی دهد که از طریق بدی ها نابود بشوی بلکه، او شریر را با خوبی از بین می برد. اگر این عشق خدا فضایی در زندگی ما به دست آورد، عواقب بی حد و حصر امکان پذیر است. شر چند برابر می شود. اما عشق بیشتر و قویتر می شود. همچنین چیزی را می توان در زندگی پولس رسول نیز مشاهده کنیم. او که قلبش پر از نفرت و انتقام بود و در آن زمان مردم را در سراسر جهان اعدام می کرد. او به رسول صلح تغییر شده را داده بود. اگر خداوند فضایی را در ما بدست آورد، چنین چیزی می تواند اتفاق بیافتد. اجازه ندهید شر بر شما غلبه کند، بلکه بر شر با کار خوبی غلبه کنید.

آمین